

وضعیت فعلی مطالعات تفسیری *

اندر و ریپین

ترجمه: محمد کاظم رحمتی

سوره احزاب باقی مانده است. کل کتاب را دو تن از محققان حوزه علمیه قم در دست تحقیق دارند. این کتاب به صورت نسخه خطی مورد استفاده تئودور نولدکه، مؤلف اثر نامدار تاریخ قرآن (*Geschichte des Qorans*) و دیگران بوده است. مهمترین معضل این تفسیر برای محققان اروپایی مجهول بودن نام مؤلف آن بوده است. این مشکل ناشی از آن است که نسخه خطی فاقد صفحه عنوان مؤلف است. این معضل با چاپ دیگر اثر مؤلف کتاب المبانی یعنی کتاب زین الفتی فی سوره هل اتی (تحقیق علامه محمد باقر محمودی، قم ۱۴۲۱ق) برطرف گردید. پرفسور کلود ژیلو (C. Gilliot) در مقاله مفصل که در مجله *Journal Asiatique* منتشر شده است، متن این مقدمه را به تفصیل مورد بررسی و تحلیل قرار داده و تمام کار رجال‌شناسی و تخریج احادیث آن را انجام داده‌اند که بیشک برای چاپ مجدد این کتاب مفید و ارزنده است. به دلیل این جامعیت کتاب المبانی به عنوان متنی مرجع در حوزه قرآن پژوهی از همان آغاز مورد توجه نولدکه، برگشت‌سراسر، پرتسل و در این اواخر جان برتن در کتاب، تدوین قرآن بوده است.

کتاب المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز نوشته شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل معروف به ابوشامه مقدسی (متوفی ۶۶۵ق / ۱۲۶۷م) که به کوشش طیار آلتی قولاج (بیروت، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م) منتشر شده، نیز اثری در علوم قرآنی است که حاوی نصوصی از متون کهن تألیف شده در این موضوع است که برخی از آنها فاقد نسخه فهرست شده و معروف هستند. مجموعه نصوص محققه فی علوم القرآن الکریم که به کوشش حاتم صالح ضامن (بغداد، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م) منتشر شده نیز به دلیل دربر داشتن آثار ذیل دارای اهمیت خاصی است. این متون عبارتند از:

- ۱- کتاب الناسخ و المنسوخ فی کتاب الله تعالی از قتاده بن دعامة سدوسی (متوفی ۱۱۷ق)
- ۲- الناسخ و المنسوخ، للزهري (متوفی ۲۲۴ق) روایة ابی عبدالرحمن محمد بن الحسین السلمی ویلیه تنزیل القرآن بمکة و المدينة
- ۳- المصنفی بأکف اهل الرسوخ من علم الناسخ و المنسوخ، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن ابن الجوزی (متوفی ۵۹۷ق)

یادداشت مترجم: پژوهش در علوم قرآنی یکی از حوزه‌های کم پژوهیده در ایران است و رشد گسترده آن صرفاً در دو دهه اخیر صورت گرفته است. به جز چند اثر از ابوعبدالله... زنجانی و مرحوم رامیار، تقریباً اثر جدی در قبل از انقلاب در این حوزه به رشته تحریر درنیامده است. با وجودی که بعد از انقلاب به این حوزه توجه شده، اما هنوز مشکلات جدی در تکامل و باردهی این علم وجود دارد. مقاله حاضر که به قلم یکی از مشهورترین و موفق‌ترین قرآن‌پژوهان غربی به رشته تحریر درآمده است، از جهات چندی نوشته‌ای در خور نظر است.

نخست نویسنده، گرچه به اختصار از معضل وثاقت متون بحث کرده، ولی توانسته است این دغدغه خاورشناسان را به خوبی بیان کند. دیگر آن که از حوزه‌های مورد مطالعه در غرب سخن رفته و می‌توان از کمبودهای موجود در این باره آگاهی یافت. مترجم قصد افزودن یادداشت‌هایی بر این نوشتار داشت، اما از آنجایی که دامنه این کار فراخ‌تر از حد تذکراتی بود، از آن اجتناب کرد. امید است در فرصت دیگری بتوان، متن تکمیل تری از این نوشتار را عرضه نمود. فهرستی از تالیفات مؤلف و دو اثر تازه چاپ وی نیز در آخر مقاله آورده شده است. اثر مهم کتابشناسی تحقیقات غربی در حوزه علوم قرآنی یعنی کتاب، کتابشناسی مطالعات قرآنی به زبانهای اروپایی ۱۷۰۰ - ۱۹۹۵، به کوشش آقای مرتضی کریمی نیا (تهران، ۱۳۸۰) دارای ویژگی‌های خاصی است که خواننده برای تکمیل برخی مباحث مطرح در این کتاب می‌تواند به آن نیز رجوع کند.

نکته خاصی که باید در اینجا به آن اشاره کرد، معرفی سه اثر در علوم قرآنی است که در نوشته مؤلف از آن سخن به میان نیامده است. نخست مجموعه مقدمتان فی علوم القرآن که مقدمه تفسیر المبانی و تفسیر ابن عطیه اندلسی (المحرر الوجیز) را دربردارد. این کتاب به کوشش آرتور جفری در قاهره ۱۹۵۴م منتشر شده است. چاپ دوم آن با تصحیحاتی از سوی عبدالله اسماعیل صاوی در قاهره ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م منتشر شده است. جامعیت این کتاب در مباحث علوم قرآنی خیره‌کننده است. تفسیر المبانی، اثری تفسیری از عالم کرامی خراسانی ابومحمد احمد بن محمد بن علی عاصمی است که تنها در یک نسخه خطی (برلین، 103 Wetzein) موجود است. آرتور جفری تنها مقدمه آن را تصحیح و به چاپ رسانده است. متن تفسیر تا آخر

رسم الخط و قرائات را قرن‌ها قبل از کتاب (النشر لقرأت العشر) ابو عمر دانی^۸ که مهمترین منبع درگذشته برای این مباحث بوده، می‌برند. این ماخذ که تعداد بیشتری از آنچه که ذکر شد، در سالیان اخیر در دسترس قرار گرفته‌اند، چون با متونی که در طرح جفری، گوتهلف (Gothelf)، برگشتسراسر (Bergstrasser) و اتو پرتسل (Pretzl) (Otto) مورد مقایسه قرار گیرند، حجم فراوان ماخذ را نشان می‌دهند. گرچه اگر ما توجه خود را بیشتر از این به بازسازی متنی - انتقادی از قرآن معطوف نکنیم با توجه به قرائت مختلف، این همه اطلاعات در باب قرائت و متن به چه کار می‌آیند؟ یا برای چه اهداف دیگری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؟ به علاوه اساس مطالعات در متون و خود موضوعات هنوز فی الواقع به چه نیازمند است؟ یک شیوه مطالعات که بنظر سودمند می‌آید و من خود آن را در برخی از مقالات اخیرم تکمیل نمودم، آن است که سعی گردد تا گرایش‌ها و انگیزه‌ها در تفسیر بازسازی گردد که می‌تواند جعل متن و قرائات گوناگون قرآنی را نشان دهد. ۱۰ فراوانی این قرائت مختلف، مدرکی است از تکرار، تلاش‌های مختلف در فهم عبارات دشوار که به سهولت قابل تحقیق است و در حقیقت این موضعی است که در باب اکثر آنها، تحقیقات انتقادی در سالهای اخیر اتخاذ شده است. این به هیچ رو برگردان موادی غیراستفاده نیست، در پس این قرائت، افق‌های تفسیری حاصل فعالیت قرون است که همگی در انتظار قرار گرفتن در زاویه تاریخی و تحلیل انگیزه، عقیدتی، متنی و سیاسی هستند که در گام‌های نخست باعث پدید آمدن آنها شده‌اند. شمار دیگری از موضوعات متنی مرتبط (mosoretic topics) توجه چندی را به خود جلب کرده است، خاصه در اثر جان ونزبرو، مطالعات قرآنی، منابع و شیوه‌های تفسیر مقدس ۱۱ که به تفصیل بیشتری در ادامه این نوشتار از آن سخن خواهد رفت، آنچه که در خور توجه است، اثری در باب فهارس واژگان، چون اثر محمد عبدوس ستار در حوزه‌ای از تفسیر که به وجوه القرآن معروف است، می‌باشد. ۱۲ بحث مشابه پول نویا از همان موضوع از زاویه متفاوت در اثر تفاسیر قرآنی و زبان عرفانی ۱۳ و مطالعه‌ام از فهرست قرآنی لغات قرآن قابل ذکر است. ۱۴ مطالعات لوتر کوفف در سنت واژگان‌شناسی و ارتباط آن با قرآن که همگی در اثرش «مطالعاتی در واژگان‌شناسی عربی و عبری» ۱۵ چاپ شده‌اند، بررسی‌های بسیار مهمی برای آشکار نمودن تمایلات نهفته در پس این سنت و مشکلات آن انجام داده است. گرچه این پژوهش امکان تحقیق بالقوه موجود در چنین حوزه‌ای را نیز نشان می‌دهد. به مطالعه در این حوزه متن، انتشار آثاری بسیار مهم از متون قدیمی چون آثار ابن قتیبیه، تاویل مشکل القرآن ۱۶ و تفسیر غریب القرآن ۱۷ و مجاز القرآن ابو عبید کمک کرده است. ۱۸ چاپ الاشباه والنظایر، مقاتل بن سلیمان نوشته ارزشمند دیگری است. ۱۹ با این حال مواد قابل دسترس دیگری برای چنین تحلیل‌هایی نیز

۴- ناسخ القرآن العزیز و منسوخه، ابن البارزی (متوفی ۷۳۸ ق)

۵- کتاب بیان السبب الموجب لاختلاف القراءات و کثرة الطرق و

الروایات، از ابوالعباس احمد بن عمار مهدوی

۶- مسائل منثورة فی التفسیر و العربیة و المعانی، ابن بری (متوفی

۵۸۲ ق)

۷- ظاهات القرآن، سرقوسی

۸- المجید فی اعراب القرآن المجید، سفاقی (متوفی ۷۴۲ ق)

۹- کشف الاسرار فی رسم مصاحف الامصار، سمرقندی (متوفی

حدود ۷۸۰ ق)

آثار فراوان دیگری چه در داخل و خارج ایران چاپ شده است که

ذکر آنها موجب تطویل و دور شدن از اصل مقاله خواهد شد.

در اثر کتابشناسانه مطالعاتی درباره‌ی خاورمیانه (The study of

the Middle East)، منتشر شده در سال ۱۹۷۶، چارلز آدمز

(Charles Adams)، متذکر گردیده است که: «مطالعات قرآنی هنوز در

سطح نامطلوبی است و ابعاد مختلف آن مورد غفلت است و تنها

شامل بحث سنتی تفسیر متن مقدس جامعه اسلامی است». ۱ در

مقایسه وضعیت که ما اکنون در مطالعات تفسیری در آن قرار داریم

با موقعیت آرتور جفری در سال ۱۹۵۷ که او مقاله «وضعیت فعلی

مطالعات قرآنی» را نوشت، ۲ گفته آدمز تا حد زیادی آزاردهنده

است، چرا که مسلماً قدم‌های مهمی در بیست و پنج سال اخیر

برداشته شده است. بی تردید خلأهای زیادی حتی در مطالعات اولیه

در این حوزه وجود دارد، اما این تنها نشان از آن است که تا چه حد نیاز

است درباره‌ی این موضوع گسترده تلاش نمود.

زمانی که جفری مقاله خود را می‌نوشت، یکی از علائق مهم وی

و شماری از پژوهشگران آن عهد، بازسازی متن چاپی قرآن با

سازوکار انتقادی متنی و قرائات گوناگون و دیگر روش‌ها بوده است. ۳

این طرح به ثمر ننشست. حتی امروز نیز چندان کار احتمالی به نظر

نمی‌رسد که کسی سودای آن را داشته باشد، گرچه نیاز و جذابیت

چنین امری هنوز باقی است. بنظر نمی‌رسد که در حال حاضر توجه

به این مسائل چندان دوامی داشته باشد. مقاله جفری، توجه خود را

خاصه به متون اصلی عربی معطوف داشته که مطالب اندکی برای

انجام چنان کاری درباره‌ی قرآن را در اختیارش قرار دادند. شمار زیادی

از این آثار در آن زمان چاپ نشده بود ولی ظاهراً برای چنین کاری

کافی بنظر می‌آمد، اما شمار چشمگیری از آثار بعداً چاپ و تصحیح

شده‌اند. از میان موارد فراوان این‌گونه کتب که در سالهای اخیر منتشر

شده‌اند، کتاب السبع فی القرائات ابن مجاهد ۴؛ مکی قیسی، الکشف

عن وجوه القراءات السبع ۵؛ کتاب المرسوم الخط ۶ و کتاب المقطوع و

الموصول ۷ ابن انباری قابل ذکرند. دو کتاب آخر مورد توجه و عنایت

بیشتری هستند، چرا که آنها محدودیت‌های بحث از مسائل



هست اما تاکنون مورد توجه قرار نگرفته‌اند، جز در اثر ونزبرو.

عمده‌ترین تلاش‌ها و قدم‌ها در مطالعات تفسیری در سالهای اخیر به نظر می‌رسد در حوزه تفاسیر قدیمی اولیه و تحول سنت تفسیری باشد. این موضوع گرچه حداقل به اختصار توسط جفری در اثرش که هنوز کتابی اساسی است در کل حوزه تفسیر، ایگناس گلدتسیهر، مذاهب الاسلامیین فی التفسیر ۲۰ و تک‌نگاری هریرس بریکلند «مخالفت کهن مسلمانان با تفسیر قرآن» ۲۱ مورد توجه قرار گرفته است. نیبه ابوت این بحث را فراتر برده در مطالعات ارزشمندی «تحقیقاتی در پاپیروس‌های عربی، جلد دوم، تفسیر قرآنی و حدیث» ۲۲ و بر له گلدتسیهر و بریکلند موضع گرفته و فهم آنها از روند تحول تفسیر را نادرست دانسته است. استدلال بریکلند، آن‌گونه که ابوت چکیده‌ای از آن را آورده، این مراحل را بیان می‌دارد. نخست هیچ مخالفتی با تفسیر تا اواخر قرن اول هجری نبوده است. دوم مخالفت صریح در قرن دوم پدید آمد و سوم آنکه پس از آن تفسیر به عنوان فعالیتی در فضایی عقیدتی اهل سنت و لزوم نیازمندی‌هایی به آن صورت گرفت. این مهم به نحو بسیار خاصی با افزودن شیوه‌های سخت‌گیرانه طوطی روایت همراه بوده و سرانجام پذیرش عام را بدست آورد. تنها با این بخش آخر است که ابوت موافقت دارد و دو مورد دیگر را رد می‌کند. ۲۳

نظر مخالفت با تفسیر در دوران اولیه را نخست گلدتسیهر براساس روایاتی درباره عمر و اینکه وی فرد سائلی را مجازات نموده که تفسیر عباراتی مبهم از قرآن را پرسید، (در منابع این شخص به نام‌های مختلفی معرفی شده) ذکر شده است. بریکلند این را براساس تحول اطلاعات شرح حال نگارانه سنتی رد کرده که از نظر وی حاوی تناقضاتی است، خصوصاً درباره معرفی هویت قربانی‌ای که شلاق خورده و هم‌خوانی این ماجرا با شخصیت عمر. ابوت باز براساس اطلاعات منابع سنتی شرح حال نگارانه به قضاوت می‌نشیند که فرد مورد بحث وجود خارجی داشته و شلاق زدن او با اخلاق عمر سازگار است. این شیوه پس و پیش بحث‌ها چیزی را مشخص نمی‌کند، جز سستی فراوان تمام چنین استدلال‌هایی که بر چنین اطلاعاتی بنا شده‌اند که می‌توان روایاتی یا حداقل تفسیری از آنها به نحوی که با داده‌های از پیش اندیشه ذهنی تطابق کند، در بردارد.

ابوت می‌گوید که عمر در آغاز مخالف تفسیر بوده یا که حداقل نظر وی درباره متشابهات چنین بوده است. اساس آنچه که ابوت این مطلب را بر آن می‌گوید باز مبتنی بر مطالب سنتی شرح حال نگارانه افرادی است که نام برخی از آنها (به عنوان مثال در طبری) به عنوان مخالف با تفسیر آمده است، در حقیقت روایات تفسیری فراوانی را نقل کرده‌اند. از این حیث، در نظر ابوت، تنها مخالفتی که با تفسیر بوده، در باب متشابهات است. آن‌گونه که ونزبرو در مرور اجمالی‌اش

بر اثر ابوت ۲۴ و بار دیگر در مطالعات قرآنی ۲۵ اشاره کرده است، به نظر می‌رسد که ابوت بر نکته بس مهمی در بحث سرپوش می‌نهد (یا مسئله را به کل ندیده می‌گیرد) و آن، این پرسش است که چه چیزی را باید در حقیقت مشابهات دانست. آن‌گونه که هر فرد - مطلقاً در حوزه تفسیر می‌داند، آیه‌ای مبهم برای فردی، آیه‌ای غیر مشابه برای شخص دیگری است. ظاهر برای کسی، باطن برای دیگری است. چنین استفاده ساده‌انگارانه‌ای از اصطلاح تفسیر (و بالقوه جدلی) را همیشه می‌توان بر ضد هم به کار برد.

یکی دیگر از ابعاد استدلال‌های ابوت این است که علیرغم وجود این اخبار در متون، بحث از پاپیروس‌های قدیمی مورد بحث وی، مبتنی بر شواهد متنی نیستند، بلکه تا حد زیادی براساس اخبار در منابع متأخر است. هیچ یک از متون فعلی، که ابوت مورد تحلیل قرار داده به زمانی فراتر از قرن سوم بازمی‌گردند و در حقیقت از حوادث عملی مورد بحث یک یا دو قرن قبل آنهایی که به کار می‌آیند، انتخاب شده‌اند.

فردی ممکن است، جلد نخست تاریخ تراث العربی فواد سزگین ۲۶ را به عنوان منبعی که منابع قدیمی را می‌توان در آن یافت، به منظور ارایه شواهد مستندی که مورد نیاز استدلال ابوت است، بیاید. در حقیقت ابوت و سزگین از حیث موضع در اهداف کلی کاملاً نزدیک به هم بنظر می‌آیند. سزگین فهرست کتب، عمدتاً نسخه‌های خطی - از چهار قرن اول اسلامی را تألیف کرده است. بحث وی از تفسیر خصوصاً به عنوان شاهدهی از عقیده وجود متون مکتوب و روایت شده از آغازی بسیار کهن در جهان اسلام ظاهر می‌شود. هدف دلخواسته سزگین این است؛ او می‌خواهد وجود این نوشته‌های مکتوب را به جهت مستند نمودن ادعاهایی برای وثاقت روایت حدیث و سازو کار اسناد ثابت کند. با این حال بررسی فهرست کتب تفسیر وی، به نحو چشمگیری اساس سطحی موضعش را نشان می‌دهد؛ نام اشخاص مختلف برای آثاری یکسان به کرات آمده است. فی‌المثل فهرست شدن اثری در فهرست این‌ندیم دلیل کافی برای آمدن مدخلی برای وی گردیده حتی اگر هیچ شاهد بیرونی در متون موجود در دست نباشد. آنچه که کاملاً آشکار است، این تمایل است که هر متن جدای ذیل نام‌های متعدد بیاید. مثال از این موارد درباره اثر غریب القرآن (نسخه خطی، عاطف افندی، ۸/۲۸۱۵) است که ذیل نام‌های سه مؤلف مختلف آمده است. در مواردی تألیف متن را نیز می‌توان به شخصیت قدیمی تری نیز نسبت داد. موردی از این دست در بحث از تفسیر فهرست شده توسط سزگین ذیل نام موسی بن عبدالرحمان ثقفی صنعانی (متوفی ۱۹۰ ق / ۸۰۵ م) است. در حالی که بررسی متن آشکارکننده این است که بکر بن سهل دمیاطی (متوفی ۲۸۹ ق / ۹۰۲ م) یا دقیق تر عبدالغنی بن سعید ثقفی (متوفی ۲۲۴ ق / ۸۴۳ م) را می‌باید به عنوان

که بحثی است درباره معانی لغوی در آن تعقیب شده است. ۴۵ در گذر از این مساله شایسته است توجه گردد که واژگان شناسی فنی تفسیر توجه بسیار کمی جز مطالعات قرآنی و نزبرو و مقاله ای درباره تفسیر به عنوان شیوه ای ادبی به خود جلب کرده است.

به کارگیری متون قدیمی تفسیر در چهارچوبی فراتر برای مدلل نمودن دیگر موضوعات تا کنون به مراتب پیشرفت هایی داشته است. موضوعیت چنین بحث هایی بی پایان است. تکامل نحو، کلام، گرایش های فرقه ای و تصوف همگی از طریق تحلیل دقیق متون قدیمی چنین موضوعاتی مطالب قابل پی جویی اند.

تفسیر از زمان کاملاً کلاسیک اسلامی، بعد از طبری به نحو طبیعی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. احتمالاً به این دلیل مهم که متن های چاپی چنین تفاسیری به نحو سهل الوصولی به صورت متن های چاپی در دسترس اند. عمده کتب تفسیری در حال چاپ اند، برخی با چاپ های جدید مطلوب. برخی نیز به صورت تجدید چاپ های گذشته. تحقیق جدید تفسیر طبری توسط شاکر که چهارده سال تا سال ۱۹۶۹ م چاپش ۴۶ در شانزده جلد به طول انجامید، اما بعد از آن جلد دیگری چاپ نشده است. شایعاتی وجود دارد که باقی مجلدات در جاهای دیگری چاپ شده اند. آثار متعددی از ابن تیمیه، ۴۷ ابن انباری ۴۸ و زجاج ۴۹ مثال های اندکی اند که به تازگی چاپ شده اند.

آثار تفصیلی موردی از متون تفسیر به تازگی توجهات را به خود جلب کرده اند. عبدوس ستار به حیرت ۵۰ و روزه ارنالدز ۵۱ و ژاک ژومیه ۵۲ به فخر رازی به نحو خاص و عام در آثارشان پرداخته اند. شماری از تحقیقات عربی نیز منتشر شده اند، از میان آنها مطالعاتی درباره رمانی، ۵۳ زمخشری ۵۴ و واحدی ۵۵ قابل ذکرند. دلالت های کلامی تفسیر نیز مورد توجه بوده اند. فی المثل در سلسله مقالاتی لوتپی ابراهیم به زمخشری و بیضاوی ۵۶ و مانفرد گوتس ۵۷ و احمد محمد احمد گالی ۵۸ هر دو به بررسی تفسیر ماتریدی و پژوهشی که مظفرالدین صدیقی به نحو عام به رهیافت معتزله در تفسیر قرآن پرداخته اند، می توان اشاره کرد. ۵۹ علائق درون دینی و جدلی در مباحث تفسیری نیز مورد توجه جدی بوده است. خاصه در مجله «دراسات اسلامية - المسيحية» به نحو عام که می توان به مقالات خلیل سمیر ۶۰ و عبدل ماجد شرقی ۶۱ درباره طبری و جی. م. گودل و ر. کاسپار درباره تحریف (انجیل و تورات. مترجم) اشاره کرد. ۶۲ مطالعات نحوی کانون توجه پایان نامه میشل شوب بوده است ۶۳ و مقالات متعددی با مبنا قرار دادن تفسیر زمخشری منتشر کرده است. دست آخر آرایه مطالب جالب تفسیری نیز مورد توجه بوده است. به عنوان مثال کلیفورد ادموند باسورث درباره بحث ابن تیمیه از شعيب را می توان اشاره کرد. ۶۴

مطالعات وسیع تر که در آن از متون تفسیری کلاسیک استفاده

شخصیت محوری مرتبط با کتاب (مؤلف کتاب) دانست. ۲۷ با این حال کتاب سرگین، توجه را به حجم قابل ملاحظه ای از متون که حداقل از قرن دوم و سوم قابل استفاده اند، جلب می کند. گرچه سرگین شاید نتوانسته شاهدهی قطعی برای آنچه که در جستجویی است، بیابد، انگیزه اصلی شرح حال نگارانه وی وضعیت مطالعات تفسیری را بهبود خواهد بخشید. در کتاب و نزبرو، مطالعات قرآنی، برای نخستین بار کارآمدی اثر سرگین به بوته نقد افتاده است. و نزبرو نظام تقسیم بندی موضوعی تاریخی برای تحول زمانی تفسیر، بر پایه متون متعدد تفسیری قبل از تفسیر طبری، از طریق تحلیل های ادبی ارایه کرده است. طرح او چنین توالی تاریخی را پیشنهاد می کند: روایی، فقهی، متنی، بلاغی و تمثیلی ۲۸

تمام این چهارچوب همراه است با تحلیل های تفاسیر متعدد که تنها به صورت نسخه خطی قابل استفاده اند و نیازمند تصحیح های انتقادی اند، چون تفسیر مقاتل بن سلیمان، فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، تفسیر عبدالرزاق صنعانی،*** متشابه القرآن کسائی، از کتب دیگر که به صورت چاپی موجودند، می توان تفسیر مجاهد بن جبر ۲۹ تفسیر سفیان ثوری ۳۰، معانی القرآن فراء ۳۱ و تفسیر خمس مائة آية مقاتل بن سلیمان ۳۲ و اثر پیش گفته اش الاشتباه والنظائر ۳۳، همگی مأخذ مطلوبی از زمان های کهن هستند.

دیگر محققانی که تلاش کرده اند تا تاریخ اولیه تفسیر را مورد تحقیق قرار دهند، به عقیده من هیچ کدام به اندازه و نزبرو در آرایه جنبه ها و شیوه های جدید موفق نبوده اند. مجاهد الصواف ۳۴، موسی. ا. ا. عبدل ۳۵ و رشید احمد ۳۶ تلاش های ستودنی انجام داده اند، اما تا حد زیادی، تحلیل های آنها از تفسیر اولیه فاقد بررسی متون قدیمی است.

در مطالعه متون قدیمی، حداقل دو رهیافت وجود دارد. تحلیل تفسیر مجاهد توسط فرد لیمهاوس، ۲۷ اشعیا گولدفلد درباره ابن عباس ۳۸ و مقاتل ۳۹ و کار حمدی صمود درباره یحیی بن سلام ۴۰ همگی اطلاعات مذکور شرح حال نگارانه و شیوه های معمول تحلیل را در بحث از عناصر متن به کار برده اند (فی المثل تحلیل اسناد). رهیافت ادبی و نزبرو از سوی دیگر به متن، سبک و صورت آرایه مطالب و ارتباطات درونی به جای اسناد و مأخذ توجه دارد که آغازی است برای گشودن جهت های جدیدی در رهیافت به متون. بررسی های من درباره متون منسوب به ابن عباس، اللغات فی القرآن ۳۱ و غریب القرآن، ۴۲ تلاش هایی برای گامی به پیش بردن این طریق است. مقاله و نزبرو درباره مجاز القرآن ۴۳ ابو عبید مفصل تر از تذکراتش بر این کتاب در مطالعات قرآنی است ۴۴، مثال دیگری از مطالعه کامل تر است. گرچه در مورد مجاز القرآن، همچنین می یابد به مقاله الا المکور در جشن نامه بنت (Baneth) نیز توجه نمود

در باب قصص است و امید است که به زودی منتشر گردد. پرسش‌هایی در باب مآخذ این نوع منابع، همچون سؤالات مآخذ تفسیر پدید آمده است. در حالی که استفاده از انجیل در تفسیر توسط عادل تئودر خوری ۷۸، کیستر ۷۹، گرار لوکنت ۸۰ و گوردن نیوبی ۸۱ مورد مطالعه قرار داده‌اند، کارهای بیشتری لازم است تا انجام گیرد. ترجمه اخیر قصص الانبیاء کسائی ۸۲ با وجود دربرداشتن حواشی بسیار اندک، نیاز به این نوع کتب را نشان می‌دهد. کتاب حیم اسچوازبرم، افسانه‌های انجیلی و فرآنجیلی در ادبیات عامیانه اسلامی ۸۳ علیرغم آنکه نوشته‌ای ضعیف است، دربردارنده منابع غنی برای تحقیقات آینده در این جهت است. خاصه باید توجه کرد که او کتابشناسی در سی و دو صفحه ارایه کرده است.

متون احکام القرآن با تصحیح مجدد اثر ابن عربی ۸۴ و تجدید چاپ کتاب جصاص ۸۵، اثر مقاتل که قبلاً ذکر شد، ۸۶ این کمبود قدیمی را برطرف کرده است. تحقیقی درباره این مآخذ انجام نشده است. توجه به علوم القرآن با تصحیح ارزشمند الاتقان فی علوم القرآن به همت محمد ابوالفضل ابراهیم ۸۷ و چاپ البرهان زرکشی ۸۸ شتابی یافته است. این دو متن و ارتباطات درونی آنها با یکدیگر موضوع مطالعه پایان‌نامه هرت فود در دانشگاه کنت نیولون بوده است. ۸۹

متون مرتبط با مسئله نسخ، موضوع مطالعه مقاله‌ای از احمد حسن ۹۰ و تا حدی در اثر ذکر شده در قبل جان برتن قرار گرفته است. ۹۱ کتاب عربی مصطفی زید، النسخ فی القرآن الکریم ۹۲ با وجود آنکه زید دیدگاه خود را مدلل کرده، گردآوری بسیار ارزشمندی از اطلاعات در این باب است. همگام با چاپ متون نسخ، جان برتن در حال آماده کردن تصحیحی از کتاب ابوعبید قاسم بن سلام است. من نیز در حال تصحیح اثری از بغدادی و رساله کوتاه منسوب به زهری هستم که بزودی رساله زهری منتشر خواهد شد. ۹۳ چاپ متن کتاب مکی قیسی درباره نسخ نشانگر این است که در آینده نزدیک این موضوع فرعی تفسیر حداقل از حیث متون اصلی غنی خواهد شد. متون اسباب النزول، کانون توجهات من در پایان نامه‌ام در دانشگاه مک‌گیل بوده که از آن دست کم، بخش‌های کتابشناسانه به زودی به نحو مطلوبی منتشر خواهد شد. ۹۴ تصحیح مجدد کتاب واحدی در این موضوع توسط احمد صقر ۹۵ مسلماً خدمت ارزشمندی برای مطالعه این منابع است. اعجاز یا سبک‌شناسی در مفهوم اعم توسط ماکس وایز وایلر درباره اثر جرجانی ۹۶ و هاینس گروتسفلد به نحو عامتری مورد بحث قرار گرفته‌اند. ۹۷

تفسیر فرقه‌ای توجه بسیار کمی را به خود جلب کرده است، همان‌گونه که در کل ابعاد شیعه در این مباحث کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اثر عبدل درباره طبرسی همگام با پایان نامه وی در همان موضوع (که منتشر شده است) یکی از معدود آثار منتشر شده

شده باشد، هنوز صورت نگرفته است، اما آنچه که تا به حال انجام شده است، امکان چنین اموری را نشان می‌دهد؛ ژان اسمیت پایان نامه خود، مطالعه تاریخی معناشناختی اصطلاح اسلام آن‌گونه که مفسران قرآن دریافته‌اند، ۶۵ و کتاب خانم یونان یزبک حداد، فهم اسلامی از مرگ و رستاخیز ۶۶ دو مثال‌های عالی از این دست‌اند. به صورت بسیار جزئی، مقاله ابولهب، ۶۷ نوشته آروی روبین منابع را به نحو موفقیت‌آمیزی از طریق پی‌جویی تفاسیر تشریح کرده است، با این حال چنین تحقیقی از نظر من به دنبال معنی درست آیه است. کتاب جان برتن، تدوین قرآن ۶۸ حداقل از نظر صوری مرتبط با مسائل چندی در باب نسخ و دیگر متون فقهی است، گرچه تمیز میان تئوری وی و متون که او استفاده کرده، فراوان است، بخش اعظم کتابش را نمی‌توان مطالعه در تفسیر دانست مگر به عنوان اثری جنبی، دست آخر تحقیق محمد ارکون از سوره کهف ۶۹ تلاش بسیار جالب و ارزشمندی برای بازسازی، شیوه جدیدی از قرائت، تفسیر، قرآن در زمینه‌ای مدرن است و برای انجام چنین کاری، او به مقایسه و بازسازی نمودن ارزش‌های مفسران کلاسیک به شیوه‌ای کاملاً روشنگرانه و آشکار پرداخته است.

دیگر صورت‌های کلاسیک به درجات متفاوت توجهات را به خود جلب کرده است. تجوید، هنر و عمل قرائت، توسط محمد ابوالقاسم در ترجمه‌اش از رساله غزالی قرائت و تفسیر قرآن ۷۰، در ترجمه بخشی اثر لیبید السید، قرآن خوانده شده ۷۱ که دیدگاه سنتی در این موضوع را نیز عرضه کرده، مورد بحث قرار گرفته‌اند. مقاله فرد دنی درباره تفاسیر و تجوید، تحولات آن در اشکال کلاسیک در زهد قرآنی در جشن نامه کیتاگوا ۷۲ خلاصه‌ای مفید از این موضوع است. دنی ترجمه‌ای از کتاب التبیان فی حمله القرآن نوویی را در دست انجام دارد که اثر مطلوب دیگری در اضافه به آثار قبل خواهد بود. یکی از مطالعات کمتر جدی در تجوید و سبک‌های آن مقاله م. طالبی با عنوان قرائت بلالجان ۷۳ است. با این حال حوزه دیگر مربوط به این موضوع الوقف و الابتداء توجهات به خود را تنها با انتشار متون اصلی آن، خاصه تألیفات بسیار ارزشمند ابن انباری ۷۴ بدون مطالعات تفصیلی دیگری درباره این موضوع مهم تا به حال به خود جلب نکرده است. ارتباط بین تفاسیر و سبک‌ها و شیوه‌های تجوید که مرتبط دهنده مفهوم آخر آیات است، مطالعه‌ای دقیق و تاملاتی را نیاز دارد.

یکی از حوزه‌هایی که تحقیقات چندی در آن به نتایجی منتج شده، قصص الانبیاء است. یان پاولنی مقالات متعددی درباره متون چندی از جمله کتاب [قصص الانبیاء مترجم] کسائی را منتشر کرده است. ۷۵. جی. خوری تصحیح و بررسی درباره ابوالقاسم فارسی انجام داده ۷۶ و مقاله‌ای نیز در این باب نگاشته است. ۷۷ سرانجام مناخیم. جی. کیستر مشغول تصحیح اثر تا به حال ناشناخته ابوعبید

مفسران قرآنی ۱۱۶ صورت نگرفته است. با این حال هنوز نیاز به اثری جامع برای آشنا نمودن شاگردان و اسلام‌شناسان در زمینه عمومی به شیوه‌ای فنی و مطلوب خالی است. کتاب هلموت گتیه ۱۱۷ بخشهای گوناگون تفسیر را که حداقل بخشی از ماخذ را به نحو بسیار جزئی دربر دارد، گرچه نبایستی از این کتاب شکوه نمود، چرا که ترجمه‌های متون تفسیری به جز ترجمه ا. اف. ال بیسٹن که تفسیر بیضاوی بر سوره یوسف را ترجمه کرده، یکی از معدود بحثهای تفصیلی منتشر شده در سالیان اخیر است. ۱۱۸ چاپ آن به صورت کتابچه‌ای حداقل برای مطالعه کنندگان زبان عربی با دسترسی آسان به متن عربی، فراگیری اینکه چگونه این گونه متون ابهام‌دار را بخوانیم، مفید است. ترجمه ذکر شده در قبل کتاب قصص الانبیاء کسائی ۱۱۹ تنها ترجمه کامل از متون کلاسیک تفسیری است که من از آن اطلاع دارم. ترجمه‌های تفاسیر جدید نیز متداول‌تر از متون کلاسیک نیست و بخش‌هایی از تفاسیر سید قطب ۱۲۰، ابوالاعلی مودودی ۱۲۱ و ابوالکلام آزاد ۱۲۲ به چاپ رسیده‌اند. ولی دسترسی به آنها بسیار دشوار است، جز کتبی که اساساً به زبان‌های غربی نگاشته شده‌اند. ۱۲۳

در مقام نتیجه‌گیری به دو نکته می‌باید اشاره نمود. نخست نیاز جدی برای تنظیم کتابشناسی در مسائل مورد بحث است. تا حد زیادی این دشوار است که بتوان از چاپ همه تفاسیر در سراسر عالم اسلامی، مطلع گردیم. خاصه مهم برای ما آثار دانشگاهی چون کتب عربی، فارسی، اردو و آندونزیایی هستند که دسترسی به آنها اتفاقی است. در حالی که فصلنامه نمایه اسلامی *Quarterly Index Islamicus* ابزار مفیدی برای جستجو در مطالب به زبان‌های غربی است، برای اطلاع از آنچه که مورد توجه ما در تفسیر است باید به واسطه فعالیت‌های کتابشناسی هماهنگی برای اطلاع از آنها، خاصه در مورد متون اصلی صورت گیرد.

نکته دوم که نیازمند تامل است، چاپ تألیفی تاریخی شامل تفاسیر اسلامی است که جایگزین مذاهب الاسلامیین گلدتسیهر گردد. از طریق برگزاری کنفرانسی در دانشگاه کالگاری در ۱۹۸۵ م، با فراخوان مقالات در مسائل متعدد، می‌توان امید داشت که چاپ مقالات حداقل گامی در راستای انجام این مطلوب باشد.

پانوشتها:

• مترجم وظیفه خود میدانند از دوست بزرگوار آقای مرتضی کریمی‌نیا به دلیل در اختیار قرار دادن متن اصلی و برخی تذکرات تشکر نمایند. بی‌نیاز از گفتن است که مسئولیت خطاهای احتمالی بر عهده اینجانب است. مشخصات کتابشناسی اصل مقاله چنین است:

Rippin, Andrew, "The present status of Tafsir Studies", *The Muslim World*, 72:iii-iv (1982), pp.224-238 also in *Hamdard Islamicus*, 6:iv (1983), pp.17-31

• مراد از ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم انباری (متوفی ۳۲۸ ق/ ۹۴۰ م)، ادیب، نحوی و مفسر و عالم مشهور در علم قرآنت است. کتاب *ایضاح الوقف و الابتداء*

است. ۹۸. دو مقاله که بزودی منتشر خواهند شد، احتمالاً سهم عمده‌ای در این حوزه را فراهم کنند؛ محمد ایوب: قرآن ناطق و قرآن صامت، مطالعه‌ای در اصول و تحول تفاسیر امامی و عظیم نانجی، به سوی رهیافت‌های هرمونیتکی قرآن و دیگر روایات در اندیشه اسماعیلیه ۹۹.

تفسیر صوفیانه، از سوی دیگر، کانون توجه شماری از محققان پرکار که از میان مشهورترین متأخرین آنها پول نویا که کتب متعددی که شامل تصحیح متون و مطالعات بوده، رهیافت‌های ارزشمندی را پدید آورده است. ۱۰۰ مقاله قاسم درباره دفاع غزالی از تفسیر صوفی، شواهد چندی از این مسئله مهم را آرایه کرده است. ۱۰۱. گرهارد باورینگ، پایان‌نامه دانشگاه مک‌گیل خود را درباره تستری ۱۰۲ منتشر کرده که الگویی برای تصحیح انتقادی متن و تحلیل موضوعی افراد در حوزه تفسیری است که می‌باید به عنوان نمونه‌ای برای تمام دیگر آثار در این باب مورد توجه قرار گیرد. باورینگ به مطالعه خود در این حوزه ادامه داده، خاصه در مورد تفسیر سلمی. تاریخ عمومی تفسیر، رشید احمد، بخش سودمندی درباره متون صوفی، خاصه در باب قشیری، موضوع مطالعه پایان‌نامه‌اش دربر دارد. ۱۰۳.

همان‌گونه که مکرر توسط نویسندگان این حوزه مورد توجه قرار گرفته است، جهان جدید اسلامی، متون تفسیری در ابعاد گسترده‌ای پدید آورده است. و سودی نخواهد داشت که تلاش گردد فهرستی از آنها در اینجا آرایه گردد. از حیث رهیافت‌ها، بیش از حد، این تفاسیر، تکرار اطلاعات سنتی تا مقدّم بر دیدگاه‌های جدید و روش‌ها را شامل می‌شوند. مطالعات انتقادی از تفسیر مدرن به نحو مطلوبی فراوان است، دو متن اساسی که چاپ شده‌اند، گرایش‌های تفسیری را به نحو فشرده ذکر کرده‌اند: یوهانس مارینوس سیمون بالیون، سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۶۰ م ۱۰۴ و یوهانس جی. جی. هانسن به نحو خاصتری وضعیت مصر را مورد توجه قرار داده‌اند. ۱۰۵.

کتاب ژاک ژومیه درباره مکتب المنار ۱۰۶ که مورد توجه جفری نیز بوده، گرچه ژومیه کار در این باب را ادامه داده و مقالاتی درباره امین خولی ۱۰۷، الجواهر طنطاوی ۱۰۸ و مصدر کل نیز نگاشته است ۱۰۹ دیگر مفسران که شامل ابوالاعلی مودودی توسط فریلند. ک. ابوت ۱۱۰ جواهر طنطاوی توسط د. یونگ ۱۱۱ ابوالکلام آزاد توسط عماد الحسن آزاد فاروقی ۱۱۲ بنت الشاطی توسط عیسی بولا تا ۱۱۳ سید قطب توسط یونان حداد ۱۱۴ و مصطفی مراغی و احمد خلف‌الله توسط مارک شارتیه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

یکی از عناصر جذاب در مطالعات تفسیری این است که ما تا به حال فاقد معرفی عمومی از این موضوع به عنوان یک کلیت هستیم. تلاش‌های چندی در معرفی رئوس کلی به عنوان مثال در بخش‌هایی از اثر کنت کراگ، ذهن قرآنی ۱۱۵ و مقاله ایس لیختن شتادر، قرآن و



Treatment of Foreign words in Medieval Arabic Lexicography, (پرداخت از لغات دخیل در واژگان شناسی عرب در قرون میانه), *Scripta Hierosolymitana*, IX (1961) 191-205

۱۶. قاهره، ۱۹۷۳م

۱۷. بیروت ۱۹۷۸م (چاپ دوم)

۱۸. قاهره ۱۹۶۲-۱۹۵۴م (دو جلد)

۱۹. قاهره ۱۹۷۵م

۲۰. لیدن، ای. جی. بریل ۱۹۲۰م

۲۱. اسلو، جاکوب دیبود (Jacob Dybwad) ۱۹۵۵م

۲۲. شیکاگو، انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۱۹۶۷م

۲۳. همان، ص ۱۳-۱۰۶

24. *Bulletin of School of Oriental and African Studies*, XXXI(1968) 613-16

۲۵. ص ۱۵۸

۲۶. لیدن، ای. جی. بریل ۱۹۶۸، خاصه صفحات ۴۹-۳ که به بحث ما مربوط است.

۲۷. برای جزئیات بیشتر این نکات و برخی استلزاماتش رک مقاله من:

Al-Zuhri, Naskh al-Quran and the problem of early tafsir texts, *Bulletin of School of Oriental and African Studies*, XLVII(1984)

۲۸. صفحات ۲۴۷-۱۱۷

۲۹. قطر، ۱۹۷۶م (این اثر چاپ‌های دیگری نیز دارد).

۳۰. رامپور، ۱۹۶۵م

۳۱. قاهره ۱۹۵۵-۱۹۷۲م (سه مجلد)

32. Shfaram, Israel, 1980

۳۳. بنگرید به پی‌نوشت ۱۹

34. Early tafsir: A survey of Quranic commentary up to 150 AH, in k.Ahmad, Z.I.Ansari, eds, *Islamic Perspectives: studies in Honour of Mawlana sayyid Abu Ala Mawdudi* (Leicester: The Islamic Foundation: Jeddah: saudi publishing House, 1979) pp: 135-45.

35. The Historical Developent of Tafsir (تحوّل تاریخی تفسیر), *Islamic Culture*, L (1976) 141-53.

36. Qurahic Exegesis and classical Tafsir, (تفاسیر قرآنی و تفاسیر), *Islamic Quarterly*, XII (1968) 71- 119

37. Ms. 1075 tafsir of the carirene Dar al-kutub and Mugahid's Tafsir (نسخه خطی ۱۰۷۵ کتابخانه دارالکتب و تفسیر مجاهد), in R. Peters, ed., *Proceeding of the 9th congress of the union Europeenne des Arabisonts et Islamisants* (Leiden: E.J. Brill, 1981). pp.169-80

۳۸. تفسیر عبدالله بن عباس، در مجله *Der Islam*، سال LVIII، ۱۹۸۱، ص ۳۵-۱۲۵

۳۹. مقاتل بن سلیمان در

Bar Han Arabic and Islamic studies, II(1978), Xiii-xxx

40. Un exegete Oriental en Ifriqiya: Yahya ibn sallam. (742-815), *Institut des Belles Lettres Arabes*, XXXIII (1977) 227-42 (مفسری ناشناخته در آفریقا، یحیی بن سلام)

۴۱. لغات القرآن، ابن عباس، *Bulletin of School of Oriental and*

فی کتاب الله عزوجل وی نیز به کوشش محیی الدین رمضان (دمشق، ۱۹۷۱م) منتشر شده است. برای اطلاع از حیات وی رک: مدخل ابن انباری در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳ ص ۵۰-۴۶. مترجم ***. *کتاب فضائل القرآن*، نوشته ابوعمید قاسم بن سلام (متوفی ۲۲۴ق) توسط مروان العطیه، محسن خرابیه و وفاء تقی الدین (دمشق - بیروت، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م) به چاپ رسیده است. از دیگر آثار با همین عنوان می‌توان به *فضائل القرآن* نگاشته ابن ضریس، تحقیق غزوة بدیر (دمشق، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م)؛ *فضائل القرآن*، تالیف ابن کثیر، تحقیق محمد ابراهیم البنا (دمشق - جده، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م)؛ و *فضائل القرآن* نوشته ابن حجر عسقلانی، تحقیق دکتر السید الجمیلی (بیروت، ۱۹۸۶م) اشاره کرد. تفسیر عبدالرزاق بن همام صنعانی (متوفی ۲۱۱ق) نیز با عنوان *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق* در دو جلد توسط عبدالمعطی امین قلجی (بیروت، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م) به چاپ رسیده است. مترجم

1. Charles Adams, *Islamic Religious Tradition in*, J. Binder, ed, *The study of the Middle East*, (NewYork: John wiley, 1976), pp 64-65

2. *Middle East Institute: Report on current Research*, Spring, 1957, pp:1-16

3. see, for example, A. Jeffery, progress in the study of the text, *Muslim World*, XXIV (1934) 4-16

(پیشرفت های در مطالعه متن

۴. قاهره، ۱۹۸۰م

۵. دمشق، ۱۹۷۴م

۶. نیودهل، ۱۹۷۷م

۷. رامپور، ۱۹۸۰م

۸. به عنوان مثال کتاب *المقتنع فی معرفه مرسوم مصاحف اهل الامصار* (دمشق، ۱۹۴۰م)

9. See. G. Bergstrasser and O.Pretzl, *Geschichte des Qurans von Theodor Noldeke: III Die Geschichte des korantexts* (Leipzig: Dieterich sche verlagsbuchhand lung, 1938)

10. A. Rippin, Quran 21:95, A ban is upon any town, *Journal of semitic studies*, XXIV (1979) 43-53

قرآن، سوره ۲۱، آیه ۹۵، تا شتر از سوزن، قرآن 7:40: Until the camel passes through the eye of the needle

قرآن سوره هفتم آیه ۴۰، تا شتر از سوزن، قرآن 78:24: A study in Arabic Lexicography, عرب، واژگان شناسی عرب، *Arabica*, XXVII(1980) 107-13 (بگردد)

قرآن سوره ۷۸ آیه ۲۴، (بررسی در واژگان شناسی عرب، *Journal of semitic studies*, XXVIII,ii (1983)

11. Oxford: Oxford University Press, 1977

12. Wujuh al-Quran: A Branch of tafsir Literature, *Islamic Studies*, XVII (1978) 137-52 (وجوه القرآن، شاخه ای از ادبیات تفسیر)

۱۳. بیروت، دارالمشرق، ۱۹۷۰م

14. Ibn Abbas al-Lughat fi l-Quran, *Bulletin of School of Oriental and African Studies*, XLIV (1981), 15-25 (لغات القرآن ابن

عباس)

۱۵. تصحیح M.H.Goshen-Gottstein، بیت المقدس، انتشارات Magnes، ۱۹۷۶م، دو مقاله مهم در این باب عبارتند از:

Religious Influences on Medieval Arabic Philology، (تأثیرات دینی، *Studia Islamica*, V(1956) 33-59 and The



رابطه عقل و (وحی، al-Baydawi and az-zamakhshari Theology of Islamic culture, 54(1980) 63-74; Az-Zamakhshari: his life and works, (زمانه و اثر،) *Islamic studies*, 19(1980) 95-110

58- Maturidi und sein kitab Tawilat al Quran, *Der Islam*, 41 (1965) 27-70

(ماتریدی و کتاب تاویلات القرآن)

یک جلد از این تفسیر در قاهره، ۱۹۷۰م منتشر شده است.

59. Some Aspects of al-Maturidi's commentary on the Quran, *Islamic studies*, 21(1982) 3-21 (برخی از ابعاد تفسیر ماتریدی بر قرآن)

60. some Aspects of the Mutazili Interpretation of the Quran, *Islamic studies*, 2(1963) 95-120 (برخی از ابعاد تفسیر معتزله بر قرآن)

61. Le Commentarie de Tabari sur coran 2/62 et la question du salut des non-musulmans, *Annali Naples Instituto Orientale*, XL (N.S.XXX) (1980) 555-617

62. Christianity in the Quran Commentary of Tabari, *Islamochristiana*, 6 (1980) 105-48 (مسیحیت در تفسیر قرآن طبری)

63. Textes de la tradition musulmane concernant Le tahrif (falsification) des ecritures, *Islamochristiana*, 6 (1980) 61-104

64. *Linguistic Topics in al-zamakhshari's commentary on the Quran* (ph. D. dissertation, University of california at Berkeley, 1977) (مسائل زبانی در تفسیر زمخشری بر قرآن)

۶۵ بسیاری از مقالات اسجوب، بخش‌هایی از پایان‌نامه‌اش است که آن نیز رونویسی‌هایی از نتایج آثار منتشر شده گوناگون است. دیگر مقالات عبارتند از: A Sublime subility?, *Zeitschrift fur arabische Linguistik*, 6(1981) 72-73 (cf.M.G. Carter in *zeitschrift fur arabische Linguistik*, 7(1982) 79-81

بحث اصلی این مقاله درباره فخر رازی است:

It is Easier for a cable to go through the Eye of a Needle than for a rich Man to enter God's kingdom, *Arabica*, 23 (1976) 311-12 (cf.A.Rippin in *Arabica*, 27(1980) 107-13: Three syntactic Discussions in al-zamakhshari's commentary, *Al-Andalus*, 42(1977) 465-69;

همچنین مقالات متعدد در مجله

Journal of the American Association of Teachers of Arabic, 7, 10, 11 (1975, 1997, 1978)

66. The Quranic prophet shuaib and Ibn Taimiyya's epistle concerning him, *Le Museon*, 87(1974) 425-40 (شعیب نبی و رساله ابن تیمیة در باب وی)

این تیمیة در باب وی

این مقاله در مجموعه مقالات باسورث با عنوان ذیل تجدید چاپ شده است: *Medieval Arabic culture and Administration* (London; Variorum Reprints, 1982)

67. Missoula: Scholars press, 1975

68. Albany: state University of New York Press, 1981

69. Abu Lahab and sura CXI, *Bulletin of School of Oriental and African Studies*, 42(1979) 13-28 (ابولهب و سوره ۱۱۱ قرآن)

70. Cambridge: Cambridge University press, 1977

African Studies, سال ۴۴ (۱۹۸۱م) ص ۲۵-۱۵

۴۲. غریب القرآن ابن عباس، *Bulletin of School of Oriental and African Studies* سال ۴۶ (۱۹۸۳م)

۴۳. الذهری، ناسخ القرآن و مشکل متون تفاسیر نخستین، *Bulletin of School of Oriental and African Studies* سال ۴۷ (۱۹۸۴م)

44. Majaz al-Quran: Periphrastic exegesis, *Bulletin of School of Oriental and African Studies*, XXXIII (1970) 247-66 (مجاز القرآن، تفاسیر غیر صرفی)

۴۵. صفحات ۲۱-۲۹ و ۲۸-۲۹

۴۶. نخستین معانی مجاز و ماهیت تفسیر ابوعبید در:

Studia Orientalia: Memoriae D. H. Baneth Dedicata (Jerusalem: Magnes Press, 1979)pp: 307-26

۴۷. ابوجعفر الطبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن (قاهره، ۱۹۶۹-۱۹۵۴م).

۴۸. اخیراً بسیاری از کتابهای ابن تیمیة به عنوان مثال چون تفسیر سوره التور (کویت، ۱۹۷۷): مقدمه فی اصول التفسیر (کویت - بیروت، ۱۹۷۱م) به چاپ رسیده‌اند.

۴۹. البیان فی غریب اعراب القرآن (قاهره، ۱۹۷۰م)

۵۰. اعراب القرآن و معانیه (قاهره، ۱۹۶۵-۱۹۶۳م)

51. Al-Hiri's Kifayat al-Quran: a rare Ms on exegesis of the Quran, *Islamic studies*, XVI (1977) 117-30 (کفایة التفسیر حیری، نسخه ۳۰-۱۱۷ (1977) *Islamic studies*, XVI)

خطی منحصر به فرد در تفاسیر قرآنی)

52. Les mafatih al-ghayb de l'imam Fakhr al- Din al-Razi: quelques dates, lieux, manuscrits, *Melanges de l'Institut*

Dominicain d'etudes Orientales du caire, XIII (1977) 253-90;

Unite de Dieu, chretiens et coran selon Fahr al-Din al-Razi,

Islamochristiana, VI(1980) 199-77; Qui a commente

l'ensemble des sourates al-ankabut a vasin (29-36) dans le

tafsir al-kabir de l'imam Fakhr al-Din al-Razi? *International*

Journal of Middle East Studies, XI(1980) 467-85.

۵۴. مازن المبارک، الروائی النحوی (بیروت، ۱۹۷۴م)

۵۵. م. س. جوبنی، منهج التفسیر فی تفسیر القرآن (قاهره، ۱۹۵۹م)

۵۶. جودت م. م. المهدی، الواحیدی و منهجه فی التفسیر (قاهره، ۱۹۷۸م)

57. Al-Baydawi's life and works, *Islamic studies*, (زندگی و آثار، *Islamic studies*, XVIII (1979) 311-21; A compartive study of the views

of az-zamakhshari and al-Baydawi about the position of the

Grave Sinner, (بررسی تطبیقی درباره نظرات زمخشری و بیضاوی مرتکب کبیره،) *Islamic studies*, XXI (1982) 55-73; The concept of Divine

Justic according to al-zumkhshari and al-Baydawi, (مفهوم عدل

مطابق به ال-زومکخشاری و ال-بایداوی، *Hamdard Islamicus*, 3(1980)

3-17; The concept of Iibat and Takfir according to

az-zamkhshari and al-Baydawi, (مفهوم احباط بر اساس نظر بیضاوی و

az-zamkhshari and al-Baydawi, *Die welt des orient*, 11(1980) 117-21; The place of

Intercession in the Theology of al-zamakhshari and

al-Baydawi, (توسل در الهیات و فیضیات فرشتگان و انبیاء در تفاسیر زمخشری و بیضاوی

Hamdard Islamicus, جایگاه شفاعت در کلام) (زمخشری و بیضاوی، *Hamdard Islamicus*, 4(1981) 3-9; The Questions of the superiority of Angels and

prophets between az-zamakhshari and al-Baydawi, (سؤالات برتری و

انجلیت و انبیاء در تفاسیر زمخشری و بیضاوی

Arabica, باب برتری و (فیضیات فرشتگان و انبیاء در تفاسیر زمخشری و بیضاوی

Arabica, 28(1981) 65-75; The Relation of Reason and Revelation in



- Religion, 47 (1979) Supplement, 685-47; Abraha and sennacherib: A Talmudic Parallel to the Tafsir on surat al-Fil, *Journal of the American Oriental society*, 94(1974) 431-37. Also David J. Halperin and Gordon D. Newby, Two Cstrated Bulls: A study in the Haggadah of Kab al-Ahbar, *Journal of the American Oriental society*, 102(1982) 631-38.
- ۸۴ - توسط و. م. نکستون (W. M. Thackston Jr) با عنوان *The Tales of the prophets of al-kisai* (Boston: Twayne, 1978) ترجمه شده است
- 85- Walldorf - Hessen: Verlag fur orientkunde Dr. H. Vorndran, 1982 (Beitrage zur sprach - und Kulturgeschichte - te des oriens, Band 30).
- ۸۶ - احکام القرآن (قاهره، ۱۹۶۷م).
- ۸۷ - احکام القرآن (بیروت، بی تا).
- ۸۸ - بنگرید به قبل، پی نوشت ۳۲.
- ۸۹ - الاتقان فی علوم القرآن (قاهره، ۱۹۶۷م).
- ۹۰ - البرهان فی علوم القرآن (قاهره، ۱۹۵۷م).
- 91- *The Itqan and its sources: A study of Al-Itqan fi ulum al-Quran by Jalal al-Din al-suyti with special Reference to Al-Burhan fi ulum al-Quran by Badr al-Din al-Zarkashi* (Ph. D. dissertation, Hart ford seminary, 1968).
- (الاتقان سیوطی و منابعش: بررسی درباره الاتقان فی علوم القرآن نگاشته جلال الدین عبدالرحمان سیوطی با تکیه بر البرهان فی علوم القرآن بدر الدین زرکشی)
- 92- The Theory af Naskh. *Islamic studies*, 4 (1965) 181-200. (توری نسخ)
- ۹۳ - بنگرید به قبل، پی نوشت ۷۰.
- ۹۴ - قاهره، ۱۹۶۳م.
- ۹۵ - بنگرید به قبل، پی نوشت ۴۲.
- ۹۶ - الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه (ریاض، ۱۹۷۵م) همچنین شایان ذکر است که دیگر کتب تفسیری مکی به تازگی به چاپ رسیده اند به عنوان مثال، مشکل اعراب القرآن (دمشق، ۱۹۷۴م) و الكشف عن وجوه الترائات السبع و علها و حججها (دمشق ۱۹۷۴م).
- 97- *The Quranic ashab al-nuzl Material: An Analysis of its use and Development in Exegesis* (Ph. D. dissertation, McGill University, 1981).
- اسباب النزول: بررسی درباره کاربرد آن در تحول و تفسیر، پایان نامه دکتری دانشگاه مگیل
- ۹۸ - الواحدی، کتاب اسباب نزول القرآن (قاهره، ۱۹۷۵م).
- 99- Abdalqahir al-Curcani's werk uber die Unnachahmlichkeit des Korans und seine syntaktisch - stilistischen Lehren, *Oriens*, 11 (1958) 77-121 100 - Der Begriff der Unnachahmlichkeit des Korans in Seiner Entstehung und Fortbildung. *Archiv fur Begriffsgeschichte*, 13 (1969) 58-72.
- 101- Musa O.A. Abdul, The Unnoticed mufassir shaykh Tabarsi, *Islamic Quarterly*, 15 (1971) 96-105; *The Quran: shaykh Tabarsi Commentary* (Lahore, Ashraf, 1979).
- ۱۰۲ - هر دو مقاله در اثر ذیل چاپ شده اند:
71. Lecture de la sourate 18, *Annales: Economies, Societes, Civilisations*, 35 (1980)418-35
- همچنین بنگرید به کتاب در دست انتشار وی با عنوان: *Lectures du coran* (paris: Maisonneuve-larose)
72. *The Recitation and Interpretation of the Quran: al-Ghazali's Theory* (kualalumpur: M.A. Quasem, 1979)
73. *The Recited koran; A History of the First Recorded version* (Princeton: Darwin press, 1975)
74. Exegesis and Recitation: Their Development as classical forms of Quranic piety, in F.E.Reynolds, T.M.Ludwig, *Transitions and Transformations in the history of Religions* (Leiden: E.J. Brill, 1981) pp:91-123
- 75- La qiraa bi-l-alhan. *Arabica*, v (1958) :183-90.
- ۷۶ - الايضاح للولف والابتداء (دمشق، ۱۹۷۱م)
- 77- Einige Bemerkungen zu den werken Qisas Al-Anbiya in der Arabischen Literature, *Graecolatina et Orientalia*, I (1969) 111-23; clossen zur Arabischen eschatologischen Volksliteratur, *Graecolatina et Orientalia*, ix-x (1977-8) 209-23; Kisai und sein werk kitab Agaib al-Malakut I and II, *Graecolatina et Orien talia*, VI (1974) 157-89 and VII - VIII (1978) 217-50; Kisais werk Kitab Qisas al-Anbiya, *Graecolatina et Orientalia*, II (1970) 191-282; Lliterarisches charakter des werkes Kisais Kitab Qisas al-Anbiya, *Graecolatina et Oreintalia*, III (1971) 107-25; Ein Werk Qisas al-Anbiya Von Abu Abdallah Muhammad ibn said al- Higril al-Ahbari, *Asian and African studies* (Bratislava) VI (1974) 87-91; zur rolle der qussas bei der Entstehung und Uberlieferung der Popularen prophetenlegenden, *Asia and African studies* (Bratislava) X (1979),pp.125-41
- 78 - *les legendes prophetiques dans l'Islam depuis le ler Jusqau IIIe siecle de L'Hegire*, (Wiesbaden Harrassowitz, 1978).
- 79- Die Bedeutung der Handschrift Bad al-halq wa qisas la-anbiya des Abu Rifaa Umara b. Watima b. Musa b. al-Furat al-Farisi fur die Erforschung des Fruhlslams. *Zeitschrift der Deutschen Margenlandischen Gesellschaft*, Supplementa II. xvIII Deutscher orientalistentag von 1. bis zum 5. oktober 1972 in lubeck (Wiesbaden: Harrassowitz, 1974) PP: 186-91.
- 80- Quelques reflexions sur les citaions de la Bible les premieres generations Islamiques du premier et du deuxieme siecles de l'Hegire, *Bulletin d'etudes Orientales*, 29(1977) 269-78.
- ۸۱ - حدثوا عن بنی اسرائیل و لاجرح، *Israel Oriental Studies*، سال دوم ۱۹۷۲، ص ۳۹-۲۱۵ (این مقاله به خامة مترجم به فارسی ترجمه شده و در مجله علوم حدیث شماره ۲۳ منتشر خواهد شد. مترجم).
- 82- Les citations de l'acien et du nouveau testament dans l'oeuvre d'Ibn Qutayba, *Arabica*, 5(1958) 34-46.
- 83- Tafsir Israiliyat, *Journal of the American Academy of*



- coranique, *Institut des Belles Lettres Arabes*, 29(1976) 1-31; Un essai recent d'interpretation du coran: Mustafa Mahmud, *Oriente Moderno*, 52(1972) 716-28.
- 119- *The Mind of the Quran: hapters in Reflection* (London): George Allen and Unwin, 1973).
- 120- Quran and Quran Exegesis, *Humaniora Islamica*, 2(1974) 3-28.
- 121- *Koran und Koranexeges* (zurich: Artemis verlag, 1971). این کتاب را آلفرد ت. ولج (Alford T. Welch) با عنوان ذیل ترجمه کرده است:
- The Quran and its Exegesis* (Berkeley: University of California Press, 1976).
- (قرآن و مفسران آن)
- 122- *Baidawi's Commentary on Surah 12 of the Quran*, Oxford University Press, 1963).
- (تفسیر بیضاوی بر سوره دوازده قرآن)
- ۱۲۳ - بنگرید به قبل، بی نوشت ۸۴.
- 124- *In the shade of the Quran* (London: Muslim world publishers, 1980). (در سایه قرآن)
- 125- *The Meaning of the Quran* (Lahore, 1967). (معانی قرآن).
- ۱۲۶ - ترجمان القرآن (بمبئی، انتشارات خانه آسیا، ۱۹۶۵م).
- ۱۲۷ - به عنوان مثال تذکراتی که در ترجمه قرآن، عبدالله یوسف علی (*The Holy Quran*) (بیروت، ۱۹۶۸) و در چاپ‌های دیگرش آمده، بنگرید. تکلمه مترجم
- کتابشناسی ذیل فهرست مقالات نگاشته شده توسط آقای اندرو ریپین است. این فهرست از *Index Islamicus* استخراج شده است.
- 1) A. Rippin, "The commerce of eschatology," S. Wild, *The Qur'an as text, Islamic Philosophy*, Leiden: Brill, 1996, p. 125-135. [Influence of study of Meccan commerce on Western interpretations of Muhammad's prophetic mission.] (تجارت آخرت)
- 2) A. Rippin, "Studying early tafsir texts," *Der Islam*, 72 ii, 1995 p.310-323. (مطالعه متون تفاسیر کهن، مروری بر کتاب ورستیگ)
- 3) A. Rippin, "Tafsir Ibn 'Abbas and criteria for dating early tafsir texts," *Jerusalem studies in Arabic and Islam*, 18, 1994 p.38-83. (تفسیر ابن عباس، معیاری برای نقد)
- 4) A. Rippin, "The poetics of Qur'anic punning," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 57 i, 1994 p.193-207. (شاعرانه بودن جناس قرآنی)
- 5) A. Rippin, "Interpreting the Bible through the Qur'an," Abdul-Kader. A (Editor), *Approaches to the Qur'an*, London: Routledge, 1993, p. 249-259. (تفسیر انجیل از طریق قرآن)
- 6) A. Rippin, *Muslims: their religious beliefs and practices*, Volume 2: The contemporary period, London: Routledge, 1993pp.171.
- Richard C. Martin, ed, *Islam and the History of Religions: Essays in Methodology*.
- 103- Le tafsir mystique attribue a Gafar sadiq, *Melanges de l'Universite saint-Joseph*, 43 (1967) 179-230. همچنین بنگرید به بی نوشت ۱۳
- 104- M. A. Quasem, Al-Ghazali in defence of sufistic Interpretation of the Quran, *Islamic Culture*, 53 (1979) 63-86. (دفاع غزالی از تفسیر صوفیانه از قرآن)
- 105- *The Mystical Vision of Existence in classical Islam: The Quranic Hermeneutics of the sufi sahl al-Tustari* (d. 283/896). (Berlin: Degrueter, 1980). دیدگاه عرفانی از وجود در اسلام کلاسیک: تفسیر صوفیانه از قرآن سهل تستری (متوفی ۲۸۳ق ۸۹۶م)
- ۱۰۶ - بنگرید به قبل بی نوشت ۳۶، همچنین ر. ک: *Abu al-Qasim al-Qushairi as a Theologin and commentator, a critique of his age and his work on the Quranic Exegesis* (ph. D. dissertation, SOAS London, 1969).
- 107- *Modern Muslim Koran Interpretation (1880-1960)* (Leiden: E. J. Brill, 1961).
- 108- *The Interpretation of the Koran in Modern Egypt* (Lciden: E. j. Brill, 1974).
- 109- Jacques Jomier, *Le Commentaire Coranique de Manar, Tendances mosernes de l'exegese Coranique en Egypte* (Paris: G. P. Maisonneuve, 1954).
- 110- J. Jomier and P. Caspar, l'exegese scientifique du coran d'apres le chieikh Amin al-khouli, *Melanges de l'Institut Dominicain d'etudes Orientales du caire*. 4(1957) 269-80.
- 111- Le cheik Tantawi Jawhair (1862-1940) et son Commentaire du coran. *Melanges de L'Institut Dominicain d'etudes Orientales du Caire*, V (1958) 115-74.
- 112- Quelques Positions actuelles de l'exegese coranique en Egypte revelees par une polemique recente (1947-1951), *Melanges de L'Institut Dominicain d'etudes Orientales du caire*, 1(1954) 39-72.
- 113- Mawlana Maududi and Quranic Interpretation, *Muslim World*, 48(1958) 6-19.
- 114- The Works af Tantawi Jawhari (1862-1949), some Bibliographical and Biographical Notes, *Bibliotheca Orcintalis*, 34(1977) 153-61.
- 115- The Tarjuman al-Quran: a Critical analysis of Maulana Abu I-Kalam Azad's *Approach to the Understanding of the Quran* (Delhi: Vikas. 1982).
- 116- Modern Quran Exegesis: A study of Bint al-shati's Method. *Muslim World*, 44(1974) 103-13.
- 117- Yvonne Y. Haddad. The Quranic Justification for an Islamic Revolution: the View of sayyid Qutb, *The Middle East Journal*, 37(1983) 14-29.
- 118- Muhammad Ahmad Khalaf Allah et l'exegese



of the School of Oriental and African Studies, 46, 1983 p.332-333.

(غریب القرآن ابن عباس)

18) A. Rippin, "Islamic theology in reaction to the West: some recent books," *Religious Studies Bulletin*, 3, 1983p.75-81.

(کلام اسلامی در واکنش به غرب: برخی کتاب تازه چاپ)

19) A. Rippin, "Qur'an 78/24: a study in Arabic lexicography," *Journal of Semitic studies*, 28, 1983 p.311-320.

(سوره ناه، آیه ۲۴: مطالعاتی در واژگان شناسی عربی)

20) A. Rippin, "The present status of tafsir studies," *Hamdard Islamicus*, 6 iv, 1983p.17-31. also in *Muslim World*, 72, 1982p.224-238.

(وضعیت فعلی مطالعات تفسیر)

21) A. Rippin, "The Qur'an as literature: perils, pitfalls and prospects," *British Society for Middle Eastern Studies Bulletin*, 10, 1983 p.38-47.

(قرآن به مثابه ادبیات: مخاطرات، دشواریها و چشم اندازها)

22) A. Rippin, "Approaches to Islam: a review essay," *Religious Studies Bulletin*, 1, 1981p.137-142.

(رهسایتهای به-اسلام)

23) A. Rippin, "Ibn 'Abbas's Al-lughat fi'l Qur'an," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 44, 1981 p.15-25.

(اللغات فی القرآن ابن عباس)

24) A. Rippin, "Qur'an 7. 40: 'Until the camel passes through the eye of the needle'," *Arabica*, 27 1980 p.107-113

(حتی بلع الجمل فی سم الخیاط: سوره اعراف آیه ۴۰)

25) A. Rippin, "Qur'an 21:95 'a ban is upon every town'," *Journal of Semitic studies*, 24 (1979) p.43-53

(و حرام علی قریة: سوره انبیاء آیه ۹۵)

بخش اعظمی از این مقالات در کتاب ذیل تجدید چاپ شده‌اند:

A. Rippin, *The Quran and its Interpretative Tradition*, PP.358,Variorum 2001, ISBN 0860788482

همچنین مجموعه مقالات در علوم و مطالعات قرآنی به ویراستاری آقای ربین از مجموعه ۳۷ جلدی *The Formation of the Classical Islamic World* که تحت ویراستاری

ارشد لورانس ای کنراد منتشر می‌شود، با مشخصات ذیل منتشر شده است:

A. Rippin,ed, *The Quran: Formative Interpretation*, Aldershot: Ashgate, 1999,pp.385, ISBN 0860788482

همچنین نتستی که مؤلف در متن مقاله از آن یاد کرده است، در سال ۱۹۸۵ در دانشگاه کالگری برگزار گردیده و مقالات آن به مشخصات ذیل به چاپ رسیده است:

A. Rippin,ed, *Approaches to The History of The Interpretation of The Quran*, Clarendon Press, Oxford 1988, pp.xii+334, ISBN 0198265468

(مسلمانان: عقاید و مناسک دینی)

7) A. Rippin, "Reading the Qur'an with Richard Bell," *Journal of the American Oriental Society*, 112 iv, 1992 p.639-647.

(قرات قرآن همراه با ریچارد بل)

8) A. Rippin, "Abu 'Ubaid's Kitab al-nasikh wa'l-mansukh," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 53, 1990 p.319-320.

(کتاب الناسخ و المنسوخ ابوعبید)

9) A. Rippin, "Conference report: Arabic computing seminar," *Middle East Studies Association Bulletin*, 24, 1990 p.21-23. (Cambridge, 1989.)

(گزارش یک نشست)

10) A. Rippin, "Epigraphical South Arabian and Qur'ani exegesis," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 13, 1990 p.155-174.

(کتبیه های عربستان جنوبی و تفسیر قرآن)

11) A. Rippin, *Muslims: their religious beliefs and practices*, Volume 1: the formative period, London: Routledge, 1990 pp.155.

(مسلمانان: عقاید و مناسک دینی)

12) A. Rippin, "The function of asbab al-nuzul in Qur'anic exegesis," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 51, 1988 p.1-20.

(کارکرد اسباب النزول در تفسیر قرآن)

13) A. Rippin, "Sa'adya Gaon and Genesis 22: aspects of Jewish-Muslim interaction and polemic. W. M (Editor) S D (Editor), *Studies in Islamic and Judaic traditions: papers presented at the Institute for Islamic-Judaic Studies, Center for Judaic Studies, University of Denver. Brown Judaic Studies*, Atlanta: Scholars Press, 1986, p. 33-46.

14) A. Rippin, "Literary analysis of Qur'an, tafsir, and sira: the methodologies of John Wansbrough," R. C, *Approaches to Islam in religious studies*. Tucson: University of Arizona Press, 1985, p. 151-163.

15) A. Rippin, "The exegetical genre asbab al-nuzul: a bibliographical and terminological survey," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 48, 1985 p.1-15.

تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان وانزبرو. این مقاله توسط آقای مرتضی کریمی نیا ترجمه شده و در مجله پژوهش‌های قرآن، سال ششم، شماره ۲۲ - ۲۳، سال ۱۳۷۹، ص ۱۹۰ - ۲۱۷ به چاپ رسیده است.

16) A. Rippin, "Al-Zuhri, Naskh al-Qur'an and the problem of early tafsir texts," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 47, 1984 p.22-43.

(الزهری: کتاب. نسخ القرآن و معضل تفسیر کهن)

17) A. Rippin, "Ibn 'Abbas's Gharib al-Qur'an," *Bulletin*